

نام و نام خانوادگی:
مقطع و رشته: هشتم
نام پدر:
شماره داوطلب:
تعداد صفحه سؤال: ۱ صفحه

جمهوری اسلامی ایران
اداره ی کل آموزش و پرورش شهر تهران
اداره ی آموزش و پرورش شهر تهران منطقه ۴ تهران
دبیرستان غیردولتی دخترانه سرای دانش واحد رسالت
آزمون پایان ترم نوبت دوم سال تمصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰

نام درس: املا
نام دبیر: مائده آقائی میر
تاریخ امتحان: ۱۴۰۱/۰۳/۱۱
ساعت امتحان: ۰۸:۰۰ صبح / عصر
مدت امتحان: ۴۵ دقیقه

نام	سوالات	نوع
	<p>به نام خدا</p> <p>لیک آنچه ایران ما را از دیگر کشورهای نیرومند جهان، جدا می‌دارد و بر می‌کشد، آن است که کشور ما همواره سرزمین سپندِ فرّ و فروغ و فرزانی و فرهیختگی بوده است. دشمنان تیره رای و خیره روی ما نیز به ناچار، این سرزمین را بدین نام سپند و ارجمند می‌نامند و ایرانیان را به پاس آزادی‌شان می‌ستایند.</p> <p>به مورچه و کوچکی جثه آن بنگر که چگونه عظمت خلقت او با چشم و اندیشه انسان درک نمی‌شود.</p> <p>وقتی جولاهه‌ای به وزارت رسیده بود هر روز بامداد برخاستی و کلید بر داشتی و در خانه باز کردی و تنها در آنجا شدی و ساعتی در آنجا بودی.</p> <p>میرزا ابوالقاسم لحظه‌ای مکث کرد، چشمانش را بست و شروع به خواندن کرد:</p> <p>به جهان خرم از آنم که جهان خرم از اوست عاشقم بر همه عالم که همه عالم از اوست به حلاوت بخورم زهر که شاهد ساقی است به ارادت بکشم درد که درمان هم از اوست</p> <p>تلاش کنید که در ادبیات انقلاب به آزاد اندیشی توجه شود و فضیلت‌هایی مانند همدلی و صفا، ایثار، مقاومت و مبارزه در برابر ظالمان و روحیه جوانمردی و پهلوانی، پدیدار شود.</p> <p>پهلول به ویرانه‌ای رسید، باز نشست. جنید به او رسید پهلول پرسید: «آیا سخن گفتن خود را می‌دانی؟» عرض کرد: «آری، به قدر می‌گویم و بی‌موقع و بی‌حساب نمی‌گویم. به قدر مستمعان می‌گویم و ...»</p> <p>محمد الدوره خونی است که از بعثت پیامبران جوشیده است پس ای محمد، صعود کن! تا سدره المنتهی!</p>	